

## هامان و ادعای خطای تاریخی در قرآن!

محمد کاظم شاکر\* / محمدسعید فیاض\*\*

### چکیده

از زمان نزول قرآن تاکنون مخالفان اسلام کوشیده‌اند تا آن را ساخته ذهن بشر و برگرفته از منابع پیشین معرفی کنند. فرضیه اکتباس داستان‌های قرآن از متون ادیان گذشته یکی از زمینه‌های فعالیت خاورشناسان بوده است. آنها علاوه بر اتهام اکتباس، گاهی پیامبر را به خطای تاریخی نیز متهم کرده‌اند. حکایت هامان از این دست است. مدعیان خطای تاریخی قرآن بر آن‌اند که پیامبر اکرم ﷺ بر اثر سوء برداشت از منابع یهودی، هامان وزیر خشایارشا را با وزیر فرعون معاصر حضرت موسی علیه السلام اشتباه گرفته است. این فرضیه به دلایل متقن مردود است؛ بسیاری از محققان، کتاب استر را که وزیر خشایارشا بودن هامان در آن مطرح شده اثری افسانه‌ای دانسته‌اند. از سوی دیگر، محتوای گزارش قرآن از هامان هیچ مشکلی با واقعیات تاریخی ندارد، بلکه تحقیقات باستان‌شناسی - که خود غربی‌ها انجام داده‌اند - شواهد محکمی در تأیید تاریخی بودن هامان و تعلق او به دربار فرعون در عهد موسی را به ثبت رسانده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن و خاورشناسان، هامان، کتاب استر، شبهات خاورشناسان، قرآن و کتاب مقدس

mkshaker.uva@gmail.com

saeed\_fayyaz@yahoo.com

\* دانشیار دانشگاه قم

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

دریافت: ۸۹/۵/۲۱ - تأیید: ۸۹/۷/۱۹

## مقدمه

پیش از بیان مسئله و ذکر پیشینه تحقیق در موضوع مورد بحث، مناسب است که خواننده با گزارش کتاب مقدس و قرآن درباره شخصیتی که در این دو کتاب با نام هامان<sup>۱</sup> آمده است، به اختصار آشنا شود. نام هامان شش بار در قرآن مجید ذکر شده است (ر.ک: قصص: ۶، ۸ و ۳۸؛ عنکبوت: ۳۹؛ مؤمن: ۲۴ و ۳۶). در هر شش مرتبه نام وی پس از نام فرعون آمده و از برخی آیات برمی آید که او از مقامات عالی‌رتبه در دستگاه فرعون بوده است؛ چراکه قرآن سپاهیان را به آن دو نسبت داده است (ر.ک: قصص: ۶ و ۸). همچنین در دو آیه از هامان و قارون در کنار فرعون یاد شده است (ر.ک: عنکبوت: ۳۹؛ مؤمن: ۲۳-۲۴) که نشان می‌دهد این دو نیز مانند فرعون دارای مقامی عالی بوده‌اند و در اداره کشور و رهبری مردم نقش بالایی داشته‌اند، به طوری که مخاطب موسی فقط فرعون نیست، بلکه او به همراه معجزاتش به سوی فرعون، هامان و قارون فرستاده شده است (ر.ک: عنکبوت: ۳۹؛ مؤمن: ۲۳-۲۴). با این همه، او در رده‌ای پایین‌تر از فرعون بوده؛ چون فرعون به او دستور می‌داده است (ر.ک: قصص: ۳۸؛ مؤمن: ۳۶). با این حال قرآن به مقام خاصی چون وزارت برای او تصریح نکرده است. از اینکه سپاهیان به او و فرعون نسبت داده شده و نیز از اینکه فرعون به او دستور داده برای او بنایی مرتفع بسازد تا به وسایلی دست یابد و از خدای موسی خبر گیرد (ر.ک: قصص: ۳۸؛ مؤمن: ۳۶)، معلوم می‌شود که او در امور لشکری و کشوری صاحب‌منصب بوده است. از این رو، بسیاری از مفسران از محتوای این آیات استنباط کرده‌اند که هامان، سیمت وزیر و مشاور اعظم فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام را داشته است.<sup>۲</sup> با این حال، شیخ طوسی وزیر بودن هامان برای فرعون را با لفظ «قیل» آورده که نشان از قوی نبودن این نظر در نزد اوست.<sup>۳</sup>

برخی از خاورشناسان کوشیده‌اند تا «هامان»ی را که در قرآن ذکر شده بر یکی از شخصیت‌های کتاب مقدس تطبیق کنند. در کتاب مقدس، هامان یکی از شخصیت‌های کتاب اِستِر<sup>۴</sup> است که هفدهمین کتاب در مجموعه عهد عتیق است. مطابق این کتاب، خشایارشا از همسر خود، ملکه وشتی<sup>۵</sup>، به سبب حاضر نشدن در یک ضیافت ملوکانه خشمگین می‌شود و به جای او استر را که یک دختر یهودی بود، به همسری برمی‌گزیند. مردخای<sup>۶</sup>، پسرعموی استر، که قیم او نیز بوده است، به وی نصیحت می‌کند که یهودی

بودنش را از مردم پنهان سازد. خشایارشا رئیس‌الوزرای به نام هامان داشته که مردی متکبر بوده و از همه انتظار داشته تا در برابرش تعظیم کنند. هنگامی که مردخای از تعظیم در برابر او امتناع می‌ورزد، هامان سخت خشمگین می‌شود و در صدد انتقام از او برمی‌آید. او پادشاه را تحریک می‌کند تا دستور قتل‌عام یهودیان را صادر کند. پادشاه، غافل از یهودی بودن استر، دستور را صادر می‌کند. هامان فوری دست به کار می‌شود و یک چوبه دار برای اعدام مردخای تهیه می‌کند. مردخای برای استر پیغام می‌فرستد و او را از موضوع آگاه می‌سازد. استر جان بر کف می‌نهد و به پادشاه اعلام می‌دارد که یهودی است و بنابراین، جزو کسانی است که مطابق فرمان شاه باید اعدام شود. پادشاه چنان عصبانی می‌شود که دستور می‌دهد هامان را روی چوبه داری که برای مردخای تهیه کرده بود اعدام کنند. سپس مردخای را به جای هامان به مقام رئیس‌الوزرائی برمی‌گزیند.<sup>۷</sup>

از آنچه گذشت معلوم شد هامان نام مشترکی است که در قرآن و عهد عتیق در دو داستان مختلف، با دو فرهنگ، تمدن و آیین متفاوت و با فاصله‌ای در حدود هزار سال، به کار رفته است. برخی از خاورشناسان و دانشمندان آگاه به کتاب مقدس این ادعا را طرح کرده‌اند که در دربار فرعون چنین شخصیتی وجود نداشته است، بلکه حضور او در داستان موسی و فرعون صرفاً یک اشتباه تاریخی از سوی حضرت محمد ﷺ است که او را از داستان کتاب استر در عهد عتیق به داستان موسی و فرعون برده است! به راستی آیا هامان شخصیتی تاریخی در عهد خشایارشا بوده است؟ آیا امکان ندارد که هامان شخصیتی تاریخی در دربار فرعون بوده باشد؟ ما در این مقاله در صددیم به اثبات برسائیم که هامان قرآنی با واقعیت‌های تاریخی و منابع باستان‌شناسی تأیید می‌شود و به عکس، هامان عهد عتیق و برخی دیگر از شخصیت‌های مذکور در داستان هامان در کتاب استر، شخصیت‌های خیالی و افسانه‌ای هستند و نام آنها وامدار نام برخی خدایان بابل و عیلامیان است. و تمدن‌های بابل و عیلام نیز به احتمال زیاد این نام‌ها را از مصریان اخذ کرده‌اند.

فخر رازی ذیل آیه ۳۶ سوره مؤمن به اشکال یهودیان در مورد هامان در قرآن پاسخ می‌دهد. او درباره اشکال می‌گوید: یهودیان می‌گویند کسانی که تاریخ بنی‌اسرائیل و فرعون را بررسی کرده‌اند اتفاق نظر دارند که در زمان موسی و فرعون شخصی به نام هامان وجود ندارد، بلکه او مدت‌ها بعد از این دوران بوده است، بنابراین، قول به وجود هامان در زمان

فرعون یک خطای تاریخی است. اشکال‌کنندگان افزوده‌اند که کسی نباید بگوید وجود شخصی در زمان متأخر مانع از آن نیست که شخص دیگری با همان نام در زمانی قدیم‌تر وجود داشته باشد؛ زیرا اگر در زمان فرعون چنین شخصی بوده، چون موقعیت بالایی در حکومت داشته است باید شناخته شده باشد. مستشکلان در ادامه به ذکر مثالی پرداخته‌اند و آن اینکه همه می‌دانند شخصی مانند ابوحنیفه سال‌ها بعد از پیامبر اسلام ﷺ بوده است، حال اگر کسی ادعا کند که ابوحنیفه در زمان پیامبر اسلام ﷺ بوده است و بعد هم مدعی شود که ابوحنیفه معروف غیر از آن ابوحنیفه است که در زمان پیامبر اسلام بوده، کسی این ادعا را نمی‌پذیرد. فخر رازی پس از بیان مفصل این اشکال، به اختصار به پاسخ می‌پردازد. وی می‌گوید: زمان بسیار طولانی از عهد موسی و فرعون می‌گذرد و اطلاعاتی که از آن زمان به ما رسیده بسیار مضطرب و نامطمئن است. از این رو نمی‌توان در این مورد به قول اهل تاریخ اعتماد کرد؛ بنابراین، اخذ به سخن خداوند در قرآن اولی است. وی در ادامه مقایسه‌ی وضع هامان با مثال ابوحنیفه را قیاس مع الفارق می‌داند؛ چراکه عهد ابوحنیفه و عصر پیامبر بسیار به ما نزدیک است و اطلاعات ما از این دوران مشوش نیست.<sup>۸</sup>

ملاحظه می‌شود که جواب فخر رازی در آنجا که می‌گوید اعتماد به سخن خداوند در قرآن اولی است، با پیش‌فرض ما مسلمانان پذیرفته است، اما غیرمسلمانانی را که به قرآن اعتقادی ندارند قانع نمی‌کند. البته مضبوط نبودن تاریخ دوران موسی و فرعون درست است و کسی نمی‌تواند به صرف نیافتن نام هامان در منابع مربوط به زمان فرعون، وجود او را منکر شود؛ چون حقیقت آن است که اطلاعات موجود و موثق از آن دوران بسیار اندک است. آیت‌الله معرفت نیز در کتاب *شبهات و ردود* به این موضوع پرداخته‌اند.<sup>۹</sup>

در این پژوهش ضمن بهره‌گیری از تحقیقات انجام شده، با روش تحلیل تاریخی ادعاهای مطرح شده از سوی مستشرقان رد و دیدگاه قرآن اثبات شده است. از این رو بر دو نکته در داستان هامان تأکید می‌کنیم: یکی کالبدشکافی کتاب *استر* و ارائه شواهدی که حکایت از آن دارد که هامان عهد عتیق شخصیتی تاریخی نیست، و دیگری ارائه ادله و شواهدی بر این که هامان قرآن شخصیتی تاریخی مربوط به عصر موسی و فرعون است.

### سخن مدعیان اشتباه تاریخی در قرآن

مدعیان اشتباه تاریخی در قرآن، هامان پسر همداتای<sup>۱۰</sup> را شخصیتی می‌دانند که از نظر تاریخی نخستین بار در کتاب *استر* – و به عنوان وزیر خشایارشا، شاه ایران (۴۶۰–۴۸۶

قبل از میلاد) - از او یاد شده است. حوادث کتاب استر از نظر تاریخی مربوط به حدود ۱۱۰۰ سال پس از زمان فرعون است. آنها این سؤال را طرح می‌کنند که چگونه هامان به قرآن راه یافته است؟ خاورشناسان مدعی‌اند پیامبر نام او را در کنار قارون دیده و به اشتباه تصور کرده او هم عصر قارون و موسی بوده و بر همین اساس نام او را در کنار فرعون معاصر موسی در قرآن وارد کرده است. محققان غربی نتوانسته‌اند هویت تاریخی هامان در قرآن را درک کنند و لذا بر آن اساس نتیجه می‌گیرند که محمد مطالبی از کتاب مقدس شنیده یا خوانده ولی دچار سوء فهم شده و هامان وزیر خشایارشا را با وزیر فرعون اشتباه گرفته است.

اسقف لودویکو ماراچی<sup>۱۱</sup>، (۱۶۱۲-۱۷۰۰) دومین مترجم قرآن به زبان لاتین<sup>۱۲</sup>، به این موضوع اشاره کرده است. او می‌گوید: «محمد داستان‌های مقدس را مخلوط کرده است. او هامان را وزیر فرعون دانسته، در حالی که در حقیقت او وزیر خشایارشا بوده است»<sup>۱۳</sup>. جورج سیل<sup>۱۴</sup> مترجم قرآن به زبان انگلیسی، نیز در ترجمه خود از قرآن همین ادعا را طرح می‌کند.<sup>۱۵</sup>

تئودور نولدکه<sup>۱۶</sup>، زبان‌شناس آلمانی، نیز در مقاله‌ای که سال ۱۸۹۱م در *دائرة المعارف بریتانیکا* به چاپ رسیده است، با لحنی بسیار نامناسب می‌گوید: «نادان‌ترین یهودیان نیز هیچ‌گاه هامان (وزیر خشایارشا) را با وزیر فرعون اشتباه نمی‌گیرند»<sup>۱۷</sup>. *دائرة المعارف اسلام* نیز ذیل مدخل «هامان» می‌نویسد: «هامان نام شخصی است که قرآن به علت یک اشتباه هنوز نامشخص به جای وزیر خشایارشا در کتاب استر، او را مربوط به فرعون می‌داند»<sup>۱۸</sup>.

این ادعا را خاورشناسان دیگری مانند هنری لامنس<sup>۱۹</sup> (۱۸۶۲-۱۹۳۷م)، ژوزف هورویتس<sup>۲۰</sup>، چارلز کالتر توری<sup>۲۱</sup> (۱۸۶۳-۱۹۵۶)، و ابن وراق<sup>۲۲</sup> نیز تکرار کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> آرتور جفری<sup>۲۴</sup> که اثری مشهور به نام *واژه‌های دخیل در قرآن* نوشته است نیز در این باره می‌گوید: «هامان در قرآن، به عوض آنکه در داستان استر ظاهر شود، به صورت یکی از بزرگان دربار فرعون در مصر دوران حضرت موسی پدیدار می‌گردد. بعضی از مفسران کوشیده‌اند که بگویند این هامان غیر از هامان داستان استر است، اما تردید نیست که مراد از هامان، همان کسی است که در باب ۳ کتاب استر است و ما منشأ این درهم‌آمیختگی را

می‌توانیم در سوره عنکبوت آیه ۳۹ و سوره مؤمن آیه ۲۴ بیابیم که هامان با قارون ذکر شده است؛ زیرا در افسانه‌های تلمودی نیز هامان با قارون به هم پیوستگی یافته‌اند.<sup>۲۵</sup> در بررسی ادعاهای مذکور به چند نکته باید توجه کرد. از روند شکل‌گیری این فرضیه معلوم می‌شود که مدعیان بر اساس چند پیش‌فرض که آنها را مسلّم انگاشته‌اند، به این داوری رسیده‌اند. این پیش‌فرض‌ها عبارت‌اند از:

۱. چون کتاب مقدس در مقایسه با قرآن قدمت بیشتری دارد، مطالبی که در این دو کتاب دارای عناصری مشترک است، اصل و حقیقت آن را باید در کتاب مقدس پی‌گیری کرد. به عبارت دیگر، کتاب مقدس و متون پیشین، سنجه‌ای خطاناپذیر برای ارزیابی قرآن فرض گرفته شده است.

۲. حضرت محمد ﷺ با استفاده از میراث مکتوب و شفاهی به جای مانده از ادیان و فرهنگ‌های دیگر، به ویژه یهودیت و مسیحیت، متن قرآن را پدید آورده است.

۳. شخصیتی به نام هامان، تنها یک وجود تاریخی دارد و آن هم کسی است که وزیر خشایارشا بوده است؛ بنابراین هر فرض دیگری که او را مربوط به عصر دیگری در نظر بگیرد مردود است و گوینده آن، دچار خطای تاریخی شده است.

با توجه به این پیش‌فرض‌ها آنها داستان هامان در قرآن را متأثر از داستان هامان در کتاب استر دانسته‌اند.

مسلمانان در مقابل این پیش‌فرض‌ها - که هیچ یک از آنها ثابت نشده است - بر این باورند که قرآن سخن خداست و هیچ سخن باطلی در آن راه ندارد. از این رو گزارش‌های تاریخی آن عین واقعیت تاریخی است. از سوی دیگر، تشابه نام برخی شخصیت‌ها در قرآن و کتاب مقدس هیچ دلیلی بر اقتباس قرآن از کتاب مقدس و هیچ کتاب دیگری نیست. همین طور، قدمت یک متن، دلیل بر صحت آن و سنجه بودنش برای دیگر متون نیست؛ زیرا چه بسا متنی قدمت بیشتری داشته باشد، اما در عین حال دچار تغییر و تحریف شده یا آنکه اساساً اصل آن مخدوش باشد.

ما پیش‌فرض‌های خاورشناسان را نمی‌توانیم بپذیریم و نیز نمی‌خواهیم صرفاً بر اساس باور مسلمانان مبنی بر حقانیت قرآن به شبهه مطرح شده پاسخ بگوییم، بلکه می‌خواهیم با

روش تحلیل تاریخی به رد ادعاهای مطرح شده و اثبات دیدگاه قرآن پیردازیم تا برای مسلمان و غیرمسلمان حجتی بر حقانیت قرآن کریم باشد.

### هامان و کتاب استر در مواجهه با چالش تاریخت

از آنجا که پیش فرض مدعیان خطای تاریخی در قرآن این است که هامان نام شخصیتی است تاریخی که در دوره هخامنشیان در دربار ایران بوده است، زیر سؤال بردن این پیش فرض و مخدوش ساختن آن، حقیقت جویان را به این امر رهنمون می‌سازد که این نام را نویسنده یا نویسندگان کتاب استر از فرهنگ و تمدن‌های دیگر وام گرفته و چنین داستانی فراهم ساخته‌اند. این وام‌گیری نام‌ها ممکن است به فرهنگ و تمدن مصر ختم شود که نتیجه آن، اثبات تاریخت شخصیت هامان در زمان موسی و فرعون است.

قبل از بیان خدشه در تاریخت کتاب استر، یادآوری می‌شود که فقط این کتاب از هامان به عنوان وزیر خشایارشا یاد می‌کند؛ نه در جای دیگری از کتاب مقدس و نه در منبع مستقل دیگری، از چنین شخصیتی نام برده نشده است. در منابع تاریخی ایران نیز نامی از هامان به عنوان وزیر خشایارشا و اعدام وی به دست او، آن طور که در کتاب استر آمده، نیست.<sup>۲۶</sup> *دائرة المعارف ایرانیکا* نیز به این نتیجه رسیده است که داستان استر و شخصیت‌های مطرح در آن در منابع تاریخی نیامده است؛ از این رو هامان شخصیتی افسانه‌ای است.<sup>۲۷</sup>

حال این سؤال را باید پاسخ داد که این یگانه منبعی که از هامان به عنوان وزیر خشایارشا نام برده تا چه حد از وثاقت و تاریخت برخوردار است. باید گفت که تردیدهای جدی در مورد تاریخی بودن کتاب استر وجود دارد. به اذعان بسیاری از محققان غربی، کتاب استر وجه تاریخی ندارد و بیشتر رنگ داستان و رمان دارد. *دائرة المعارف یهودی* اذعان می‌کند که:

بالنسبه شمار اندکی از محققان معاصر، بستر روایات کتاب استر را تاریخ می‌دانند. اکثر قابل توجهی از مفسران و شارحان [کتاب مقدس] به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب، بخشی از یک افسانه و داستان محض است، گرچه برخی از نویسندگان کوشیده‌اند با تلقی آن به عنوان یک رمان تاریخی، این نظر را نقد کنند.<sup>۲۸</sup>

دائرة المعارف جهانی یهود نیز با ذکر مثال‌هایی از نکات مورد توجه محققان دربارهٔ محتوای تاریخی کتاب استر می‌گوید:

اکثر محققان، کتاب را افسانه و داستان‌هایی می‌دانند که بازگو کنندهٔ آداب و سنت‌های معاصر است که با ظاهر و آهنگی قدیمی ارائه شده تا از حمله و هجوم به آن اجتناب شود. آنها خاطر نشان کرده‌اند ۱۲۷ ولایتی که نامشان در کتاب آمده با ۲۰ ساتراپی<sup>۲۹</sup> باستانی ایران در مغایرتی عجیب است. یا حیرت‌آور است که چگونه استر، یهودی بودن خودش را مخفی می‌کند، در حالی که مردخای که پسرعمو و در عین حال قیم او بوده به عنوان یک یهودی شناخته شده بوده است. نیز غیرممکن می‌نماید که یک غیر ایرانی به عنوان نخست وزیر یا ملکه انتخاب شود، و اینکه رویدادهای کتاب، اگر به راستی واقع شده‌اند نمی‌توانسته با بی‌توجهی مورخان روبه‌رو شده باشد. لحن به کار رفته در کتاب، ساختار ادبی و جایگاه کتاب، بیشتر به یک داستان رومانتیک اشاره دارد تا یک وقایع شمار تاریخی. برخی پژوهشگران حتی منبع این اثر را کاملاً غیر یهودی ردیابی کرده‌اند.<sup>۳۰</sup>

سموئیل کندی دربارهٔ کتاب استر می‌نویسد:

کتاب استر همه چیز می‌تواند باشد جز تاریخ؛ داستانی افسانه‌آمیز است که غرض ظاهری این افسانه آن بوده است که برای جشن گرفتن عید پوریم،<sup>۳۱</sup> یک حقانیت و واقعیت تاریخی ذکر کند.<sup>۳۲</sup> کتاب استر اطلاعات نادرستی را در مورد فارس نیز ارائه می‌دهد. در این کتاب آمده است که خشایارشا بر ۱۲۷ ولایت حکمرانی می‌کند؛ و حال آنکه در حقیقت تعداد ولایات تحت حکم او ۲۷ تا بوده است.<sup>۳۳</sup>

به نظر سموئیل کندی، کتاب استر سرشار از اندیشه‌ها و تصوراتی است که از ادبیات اساطیری بابل سرچشمه گرفته است؛ چراکه اندیشهٔ غلبه یک زن بر یک پادشاه بیگانه بیشتر با روحیهٔ بابلیان قرن پنجم پیش از میلاد مناسبت دارد تا با فکر یهودی.<sup>۳۴</sup> علاوه بر این، نام هیچ‌یک از قهرمانان کتاب استر یک اسم واقعی یهودی نیست. به استثنای شاه اخشورش (خشایارشا)، بقیه، نام خدایان بابلی و عیلامی دارند. نام استر معادل «ایشتار» است. بانوی قهرمان داستان حتی در باب دوم، آیهٔ هفتم، هدهسه<sup>۳۵</sup> خوانده می‌شود که از القاب خاص ربهٔ النوع بابلی است. استر و مردخای، بابلیانی هستند که نقاب یهودی به چهره زده‌اند. دشمن آنها، هامان، را می‌توان بر مبنای زبان‌شناسی با «هومان»، یک خدای عیلامی، یکی دانست.<sup>۳۶</sup> «وشتی»، ملکهٔ پارس را هم، که استر جای او را می‌گیرد، بر همان



ترتیب می‌توان با «مشتی» یک ربه النوع عیلامی تطبیق داد.<sup>۳۷</sup> از این رو کندی معتقد است اساس کتاب/ستر در عهد عتیق یک افسانه بابل‌ی قرن پنجمی می‌باشد که کشمکش و مرافعه مردوخ (مردخای) و ایشتار (استر) را با خشایارشا (شاه اخشورش) بیان می‌کند. همانندی‌ها آن قدر زیاد است که نمی‌توان آن را بر تصادف حمل کرد. از آن‌جا که مردخای (مردوخ: خدای بابل<sup>۳۸</sup>) و استر (ایشتار: خدای بانوی بابل) پیروزی می‌یابند، پس این افسانه در بابل پرداخته شده است.<sup>۳۹</sup> قاموس کتاب مقدس هم اذعان دارد که نام‌های موجود در کتاب/ستر، نام‌هایی بابل‌ی یا عیلامی است؛ مردخای از مردوخ خدای اصلی بابل‌ی و هِمان یا هُمّان یکی از خدایان اصلی عیلامی است.<sup>۴۰</sup>

با توجه به اینکه ارتباط کشور و تمدن عیلام با دنیای متمدن باستان از دوره‌های پیش از تاریخ برقرار بوده است و آثاری که در مصر در دوران پیش از سلسله‌ها به دست آمده به خوبی این ارتباط را با شوش - که در زمان خشایارشا پایتخت هخامنشیان بوده است - نشان می‌دهد و این نکته را بارها دانشمندان و محققان تاریخ هنر تذکر داده‌اند<sup>۴۱</sup>، و با توجه به تحقیقات دو سده اخیر باستان‌شناسی که نمونه آن در ادامه خواهد آمد، این احتمال قوت می‌گیرد که نام هامان از تمدن مصر به تمدن عیلام منتقل شده است. بنابراین، با این ادله و شواهد بیانگر غیر تاریخی بودن داستان هامان در کتاب مقدس و با توجه به شواهد وام‌گیری فرهنگی عیلامیان از مصریان، اکنون باید گفت آنچه ثابت می‌شود، خطای تاریخی کتاب مقدس است و نه خطای تاریخی قرآن کریم.

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که چون در زبان فارسی لفظی که با هامان قرابت داشته باشد موجود نیست و در میان درباریان خشایارشا شخصی بدین نام وجود ندارد، می‌توان گفت که یهودیان به یکی از وزرای خشایارشا به مناسبت شباهتی که با هامان وزیر فرعون داشته و مانند او با یهود دشمنی می‌ورزیده لقب هامان داده‌اند.<sup>۴۲</sup>

در مورد غیر تاریخی بودن داستان استر و برخی قهرمانانش، شواهد دیگری نیز وجود دارد که این کتاب را از گردونه کتاب‌های تاریخی یهود خارج می‌کند. از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ میلادی که حدود یک صد قطعه از طومارهای بحرالْمیت در قُمران<sup>۴۳</sup> با اسفار متعدد عهد عتیق تطبیق شدند، همه اسفار عهد عتیق در آن وجود داشت جز سفر استر.<sup>۴۴</sup> یادآوری می‌شود که طومارهای بحرالْمیت مربوط به گروه اِسِنیان<sup>۴۵</sup> از یهودیان است که هم اکنون

ترجمه این مخطوطات نیز به چاپ رسیده و در دسترس همگان است.<sup>۴۶</sup> دیگر آنکه در کتب عهد جدید نیز هیچ نقل قول یا اشاره‌ای به کتاب استر نشده است. حبیب سعید می‌نویسد: هیچ دلیلی وجود ندارد که مشخص کند چه کسی نویسنده این کتاب است و در چه زمانی نوشته شده است. فقط برخی بر آن‌اند که با توجه به اینکه دیدگاه‌های مکابیان در آن بازتاب یافته، می‌توان حدس زد که حدود سال ۱۳۰ پیش از میلاد مسیح نوشته شده است.<sup>۴۷</sup> برخی از شارحان کتاب مقدس نیز با این دلیل که در منابع موجود تاریخی ایران هیچ نامی از ملکه وشتی، یا استر یا مردخای یا هامان دیده نمی‌شود بر این نظرند که اساساً این داستان تاریخی نیست. همچنین آنها می‌گویند که کتاب استر یگانه کتابی است که اصلاً در آن از خداوند نام برده نشده است و از همین رو برخی از قدما در معتبر بودن آن تردید کرده و در ردیف کتاب‌های قانونی جای نداده‌اند.<sup>۴۸</sup>

### تاریخی بودن هامان در داستان موسی و فرعون در قرآن

مدعیان وجود اشتباه تاریخی در قرآن می‌گویند چون بر اساس متون مذهبی یهود، تنها یک هامان و آن هم وزیر خشیارشا وجود تاریخی دارد، پس هامان قرآن که در زمان موسی علیه السلام و معاصر فرعون بوده خطای تاریخی و سوء برداشت پیامبر در اقتباس از منابع یهودی به شمار می‌آید. مناسب است برای بررسی این ادعا، نگاه دیگری به آیات قرآنی بیندازیم. سه مطلب اساسی از آیات مورد اشاره در مورد فرعون و هامان استفاده می‌شود. ادعای خدایی فرعون (ر.ک: قصص: ۳۸)، دستور فرعون به هامان برای ساختن برجی بلند از آجر (ر.ک: همان)، و حضور شخصی بلند پایه به نام هامان در دربار فرعون معاصر حضرت موسی علیه السلام. (ر.ک: قصص: ۶ و ۸).

بر اساس دائرة المعارف بریتانیکا، ریشه لغوی فرعون از کلمه مصری فیرا «per 'aa» به معنی خانه بزرگ یا مکان سلطنتی در مصر باستان است. این کلمه بعدها برای عنوان سلسله پادشاهان مصر، در فاصله سال‌های ۱۵۳۹ تا ۱۲۹۲ پیش از میلاد مسیح استفاده می‌شده است. مصریان به خدایی فرعون اعتقاد داشتند. فرعون حتی پس از مرگش نیز الهی باقی می‌ماند و در حکم پدر خدای آسمان و خدایان خورشید قرار می‌گرفت و قدرت و جایگاه مقدس خود را به فرعون جدید یعنی پسرش منتقل می‌کرد.<sup>۴۹</sup>

فرهنگ مصور کتاب مقدس نیز در مورد فرعون می‌گوید: «مصریان معتقد بودند او

خداست. در طول حکمرانی فرعون، او پسر «رع» (Ra)، خدای خورشید و تجسم هوروس<sup>۵۰</sup> بود. او از طرف خدایان با مسئولیتی الهی آمده بود تا برای آنان بر زمین حکومت کند. سخن او قانون و او مالک هر چیز بود.<sup>۵۱</sup>

درباره ساخت بنایی بلند از آجر به دستور فرعون یافته‌های باستان‌شناسی در بستر نیل و ساحل آن نشان از مقبره‌ها و ساختمان‌هایی دارد که از آجر ساخته شده‌اند.<sup>۵۲</sup> در تفاسیر روایی چنین آمده که بنای آجری نخستین بار در زمان فرعون ساخته شد.<sup>۵۳</sup> ولی این امر صحیح به نظر نمی‌رسد، بلکه باید گفت ساخت بناهای آجری در عصر فرعون رواج داشته است؛ چراکه مصری‌ها از پنج هزار سال پیش از میلاد از آجر استفاده می‌کرده‌اند.<sup>۵۴</sup>

در مورد مطلب سوم، همان گونه که گفته شد بیشتر مفسران مسلمان بر اساس استنباط از ظاهر آیات قرآن، هامان را وزیر فرعون دانسته‌اند. با این حال، هیچ مفسری تاکنون هویت وی را از نظر زبان‌شناسی بررسی نکرده است.

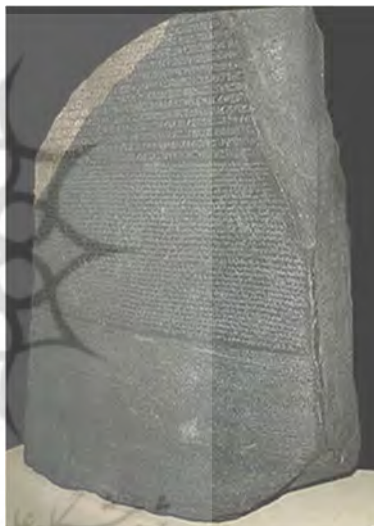
یکی از محققان فرانسوی که از این زاویه به این بحث توجه کرده، موریس بوکای<sup>۵۵</sup> (۱۹۹۸-۱۹۲۰) است. او معتقد بود از آنجا که هامان در زمان موسی علیه السلام می‌زیسته، بهترین منبع برای شناسایی وی و بررسی نام او، یک متخصص در زبان و خط باستانی مصر، هیروگلیف است. او ریزنی خود را با یکی از برجسته‌ترین مصرشناسان فرانسوی که با زبان عربی قدیم نیز آشنا بوده، چنین شرح می‌دهد:

من کلمه هامان را با همان نگارش قرآنی کپی کرده و به وی نشان دادم و به او گفتم که این کلمه از یک جمله، در متنی مربوط به قرن هفتم میلادی گرفته شده و جمله مربوط به شخصی است که با تاریخ مصر مرتبط بوده است. او به من گفت که در چنین حالتی او این کلمه را نویسه‌گردانی [نقل عین تلفظ کلمه یا عبارتی از زبانی به زبان دیگر] اسمی هیروگلیفی<sup>۵۶</sup> می‌داند، اما در عین حال مطمئن است که متنی مربوط به قرن هفتم میلادی نمی‌تواند حاوی اسمی به زبان هیروگلیف باشد؛ چون در آن زمان هیروگلیف کاملاً از بین رفته بوده است. او به منظور تأیید استنتاج خود به من پیشنهاد کرد تا به لغت‌نامه اسمی اشخاص در پادشاهی نوین (مصر) نوشته هرمن رنک (Herman Rank) مراجعه کنم که ممکن است این اسم را به نگارش هیروگلیف پیدا کنم. من تمام آنچه را آن متخصص احتمال داده بود پیدا کردم و نویسه‌گردانی هامان را به زبان آلمانی در آن فرهنگ یافتیم و

همچنین از اینکه شغل او را نیز یافتیم متحیر شدم: فرمانده کارگران در معادن سنگ؛ دقیقاً مطابق آنچه از دستور فرعون به او در قرآن برداشت می‌شود. هنگامی که من تصویر صفحه مربوط از فرهنگ اسامی مصری در مورد هامان را با صفحه‌ای از قرآن که در آن نام هامان آمده به کارشناس فرانسوی نشان دادم، او هیچ حرفی برای گفتن نداشت.<sup>۵۷</sup>

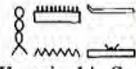
در گذر زمان، خط هیروگلیف به مانند خط میخی پارسی به فراموشی سپرده شد و تا صدها سال، هیچ کس نمی‌توانست خطوط هیروگلیف حک شده بر معابد و آرامگاه فراعنه را بخواند و اکثر مردم می‌پنداشتند که این خطوط و اشکال عجیب برای طلسم و جادوی مکان‌های مقدس حک شده است. از این رو تا سالیان دراز پی بردن به اسرار مصر باستان به صورت معمایی پیچیده و دست‌نیافتنی شده بود تا اینکه افرادی ناخواسته و اتفاقی توانستند کلید ورود به دنیای مصر باستان را کشف کنند. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون بناپارت به مصر لشکر کشید. یک سال بعد از آن، سربازان ارتش فرانسه به هنگام حفر یک سنگر برای مقابله با نیروهای انگلیسی در روستای رُزتا - الرشید کنونی - سنگ سیاه بزرگی را پیدا کردند و آن را «سنگ رُزتا»<sup>۵۸</sup> نامیدند. روی این سنگ متن یکسانی با سه خط هیروگلیف، دموتیک و یونانی حک شده بود. با ترجمه متن

شناخته شده یونانی مشخص شد که این سنگ ۲۲۰۰ سال قدمت دارد و مربوط به دوره سلطنت بطلمیوس پنجم است. در این کتیبه کاهنان از کارهایی که پادشاه جوان برای معابد و مردم مصر انجام داده بود تعریف کرده و سلطنت او را مورد تأیید قرار داده بودند.<sup>۵۹</sup> با استفاده از این سنگ بود که مصرشناس برجسته فرانسوی، ژان فرانسوا شامپولین<sup>۶۰</sup> (۱۷۹۰-۱۸۳۲م) توانست خط هیروگلیف را رمزگشایی کند و از آن پس، امکان ترجمه متون دیگر هیروگلیف نیز فراهم شد.<sup>۶۱</sup>

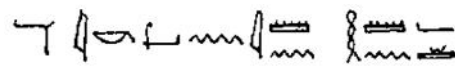


بنابراین می‌توان گفت که کتیبه سنگی روزتا، شاه کلید کشف رمز خط هیروگلیف شد.

متن موجود در فرهنگ سه جلدی هرمن رنک در تصویر زیر آمده است. این متن به نام هامان اشاره دارد و نویسنده آن را از کتاب والتر رسینسکی<sup>۶۲</sup> برداشت کرده است. رسینسکی محقق در زبان‌های باستانی مصر است و کتابش را در ۱۹۰۶م درباره نوشته‌های قدیمی مصری در موزه «هاف»<sup>۶۳</sup> وین نوشته است.<sup>۶۴</sup>

25 *hmn-h (?)*   
 m NR Wien, Wreszinski, S. 130.

رسینسکی اظهار می‌دارد که نام هامان بر ستون سنگی یک «در» حک شده، که اکنون در آن موزه در اتریش نگهداری می‌شود. رسینسکی متن سنگ‌نیشته را در کتاب خود آورده و بخش‌هایی از آن را ترجمه کرده است. سنگ‌نیشته مذکور در تصویر ذیل آمده است.

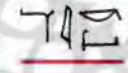



توضیحات فنی تصویر فوق نیز در متن زیر از کتاب رسینسکی آمده است.




I.34. Pfeiler einer Grabtür. № 91. (publ. Reinisch Miramare 1873.)

Zeit: NR.

Name und Titel: 

Anmerkung:  Vorsteher der Steinbruch arbeiter; vgl.

Sethe Wk. I 92, I 113 a. R. 

«» در شکل بالا، نمایشگر نام هامان به خط هیروگلیف و « و » بیان موقعیت و جایگاه اجتماعی اوست که رسینسکی ترجمه آن را به زبان آلمانی با عبارت «Vorsteher der Steinbruch arbeiter» درج کرده که به معنای «فرمانده کارگران درمعادن سنگ» است.<sup>۶۵</sup>

دیدگاه دیگر که پیش از این تحقیقات مورد توجه برخی محققان بوده این است که واژه هامون معرّب «آمون» می‌باشد. آمون<sup>۶۶</sup> واژه‌ای بسیار معروف در تاریخ و فرهنگ مصر باستان و نام خدای نادیدنی شهر تیس<sup>۶۷</sup> است که بعدها خدای خدایان شد و معابد بسیاری برای پرستش این خدای قدرتمند در مصر ساخته شد.<sup>۶۸</sup> آیت‌الله معرفت معتقد است همان طور که «ابراهیم» معرّب آب رام (به معنای جدّ بزرگ) و نیز «سامری» معرّب شمرونی (منسوب به قبیله شمرون) است، هامون نیز می‌تواند معرّب آمون باشد. تعجبی هم نیست که نام معبد آمون بر بزرگ کاهنان این معبد - که نزد فرعون مقامی والا یافت - بماند. همان طور که واژه فرعون نیز در اصل نام مکان است و حتی در دوره عثمانی برخی خلفا نام «باب عالی»، که اسم مکان است، بر خود داشته‌اند.<sup>۶۹</sup> ابومنصور جوالیقی (۶۶۵-۵۴۰ ه ق) مؤلف کتاب المعرّب نیز هامان را لفظی معرّب می‌داند. او می‌گوید: «هامان، اسمی اعجمی است و البته بر وزن فعّلان از فعل هوّمت (خواب سبکی کردم) و از هام - یهیم (عاشق شد) نیست».<sup>۷۰</sup> خزائلی نیز می‌نویسد: در میدراش‌ها<sup>۷۱</sup>، یکی از رؤسای بزرگ سحره فرعون «یام» نامیده شده؛ بنابراین، نزدیک‌ترین احتمال آن است که هامان را صورت تغییر یافته «یام» بدانیم.<sup>۷۲</sup>

*دائرة المعارف قرآن* - چاپ لیدن هلند - به عنوان آخرین مرجع معتبر غربی در مورد قرآن، نسبت به دیگر منابع متقدم، جانب انصاف را رعایت کرده و در کنار اشاره به قول مشهور محققان غربی در مورد هامان، به دیدگاه مذکور نیز توجه داشته و احتمال می‌دهد که هامان، معرّب کلمه مصری‌ها، آمِن، باشد که عنوان بالاترین روحانی و شخص دوم بعد از فرعون بوده است.<sup>۷۳</sup>

با توجه به آنچه ذکر شد هم شواهد تاریخی و هم منابع باستان‌شناختی از آن حکایت دارد که هامان، واژه‌ای است که خود یا مشابه آن در مصر باستان کاربرد داشته است و مناسبت معنایی این واژه‌ها در مصر باستان با جایگاه هامان مذکور در قرآن کاملاً آشکار است.

### نتیجه‌گیری

۱. خاورشناسان بر اساس پیش‌فرض‌های اثبات نشده‌ای ادعا کرده‌اند که هامان در قرآن با یک اشتباه تاریخی از داستان کتاب مقدس در مورد خشیایارشا به داستان موسی و فرعون راه یافته است.

۲. مدعیان اقتباس قرآن از کتاب مقدس پنداشته‌اند که هامان کتاب مقدس، شخصیتی تاریخی مربوط به زمان حکومت هخامنشیان در شوش است، در حالی که منابع مستقل تاریخی وجود چنین شخصی را در آن زمان تأیید نمی‌کند.
۳. منابع تاریخی حاکی از آن است که هامان، مُردخای و اِستر در داستان مربوط به خشایارشا، شخصیت‌هایی افسانه‌ای و خیالی‌اند که نام آنها از نام‌های واقعی مربوط به تمدن‌های دیگر - چون بابل و عیلام - وام گرفته شده است.
۴. ارتباط بین تمدن مصر و تمدن‌های بابل و عیلام از یک سو، و نتایج کشفیات جدید در مورد نام هامان بر سنگ‌نوشته‌های هیروگلیف مصری، این احتمال را قوت می‌بخشد که نام هامان از فرهنگ مصر به بابل و عیلام منتقل شده باشد و در نهایت، نویسنده کتاب اِستر نیز از این نام‌ها برای داستان‌پردازی خود الهام گرفته باشد.
۵. با توجه به موارد پیش گفته، در این میان اگر کسی دچار اشتباه تاریخی شده باشد، نویسنده یا نویسندگان کتاب اِستراند و نه قرآن و پیامبر اسلام.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

1. Haman.
۲. ر. ک: طبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، ص ۶۶۸ و ۶۷۴ (ذیل آیات ۲۴ و ۳۶ سوره مؤمن)؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۷، ص ۳۲۷ و ۳۳۱؛ وهبة زحیلی، *التفسیر المنیر*، ج ۲۰، ص ۶۲ (ذیل آیه ۸ سوره قصص) و ص ۲۳۹ (ذیل آیه ۳۹ عنکبوت) و ج ۲۴، ص ۱۰۳ و ۱۰۴ (ذیل آیه ۲۴ مؤمن)؛ زمخشری، محمود، *الکشاف*، ج ۳، ص ۱۸۰ (ذیل آیه ۳۸ قصص)
۳. طوسی، محمد بن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، ص ۷۸ (ذیل آیه ۳۶ سوره مؤمن)
4. Esther.
5. Vashti.
6. Mordecai.
۷. ر. ک: *کتاب مقدس*، چکیده کتاب استر، ص ۴۹۴؛ نیز نک: پطرس عبدالملک، *قاموس الكتاب المقدس*، ص ۶۴-۶۳؛ مستر هاکس، *قاموس کتاب مقدس*، ص ۹۱۸.
۸. فخرالدین رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۹، ص ۵۱۶ (ذیل آیه ۳۶ سوره مؤمن)
۹. ر. ک: محمدهادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن* (الجزء السابع: شبهات و ردود)، ص ۳۷۶-۳۷۸.
10. Hammadatha.
11. Ludovico Maracci.
۱۲. محمد رضا رحمتی، «ترجمه های قرآن به زبان های دیگر»، *دایرة المعارف قرآن*، ج ۷، ص ۴۵۹.
13. Saifullah, M. S. & Others, "*Historical Errors Of The Qur'an: Pharaoh & Haman*", 2010/02/28, at: www. islamic- awareness.; Ludovico Marraccio, *Alcorani Textus Universus Ex Correctioribus Arabum Exemplaribus Summa Fide*, p. 526.
14. George Sale.
15. G. Sale, *The Koran Commonly Called Alcoran Of Mohammed Translated Into English*, V. II, London, p. 239, footnote 'h'.
16. Theodor Noldeke.
17. Noldeke, Theodor, "The Koran", *Encyclopaedia Britannica*, V. 16, p. 600.
18. G. Vajda, "Haman" in *Encyclopaedia of Islam* (New Edition), V. III, p. 110.
19. Henri Lammens.
20. Joseph Hurwitz.
21. Charles Culter Torrey.
۲۲. ابن وراق نامی مستعار است که نویسنده معاصر که به شدت با اسلام عناد می‌ورزد، برای خود انتخاب کرده است.
۲۳. ر. ک: آرتور جفری، *واژه های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص ۳۹۲-۳۹۱.
24. Arthur Jeffrey.
۲۵. آرتور جفری، همان، ص ۴۱۰.
- ۲۶ - ر. ک: محمد خزائلی، *اعلام القرآن*، ص ۶۶۰؛ محمدهادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۷، ص ۳۷۷.
27. See "Haman" in *Encyclopaedia Iranica*, p. 629.
28. *The Jewish Encyclopaedia*, "Esther", Volume V. 5, pp. 235-236.
۲۹. تقسیم‌بندی کشوری ایران باستان، معادل استان فعلی. ساتراپ مأخوذ از کلمه یونانی سترپ، به حاکم یا استاندار در ایران قدیم گفته می‌شده است. ر. ک: حسن عمید، *فرهنگ عمید*، ص ۵۸۸.
- 4- See "Esther" in *The Universal Jewish Encyclopaedia*, V. 4, p. 170.



۳۱. پوریم: واژه‌ای عبری است که به معنای قرعه‌هاست. این روز به مناسبت رفع خطر قتل عام یهودیان به توطئه هامان عید قرار داده شده است. وجه تسمیه این روز آن است که هامان برای تعیین روز اعلام تصمیم خود به پادشاه قرعه کشیده بود. عید مزبور در ماه اسفند قرار دارد. حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۹۵-۹۴.

۳۲. سموئیل کندی ادی، *آئین شهریاری در شرق*، ص ۱۷۷.

۳۳. همان، ص ۱۷۸.

۳۴. همان، ص ۱۸۰.

### 35. Hadassah.

۳۶. در باره خدای عیلامی بنگرید به: والتر هینتس، *دنیای گمشده عیلام*، ص ۵۱.

۳۷. همان، ص ۱۷۸.

۳۸. در باره مردوخ (Marduk)، خدای بابل، بنگرید به: جان بی. ناس، *تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز*، ص ۴۶-۴۷.

۳۹. ر. ک: همان، ص ۱۷۹-۱۸۳.

۴۰. پطرس عبدالملک، *قاموس الکتاب المقدس*، ص ۶۴.

۴۱. موسی سیادت، *تاریخ خوزستان از دوره ائششاریه تا دوره معاصر*، ج ۱، ص ۸؛ نیز در این باره نک: پیر آمیه، *تاریخ* ص ۲۹ و ۵۲.

۴۲. محمد خزائلی، همان، ص ۶۶۰.

۴۳. قُمران نام منطقه‌ای است که این طومارها در آنجا پیدا شده است.

۴۴. سموئیل کندی ادی، همان، ص ۱۷۹.

۴۵. نام فرقه‌ای از یهودیان است که در حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند. ریشه کلمه اِسینی احتمالاً به معنای شفادهنده است، به این معنا که آنها در اندیشه شفای روان خود بوده‌اند. گفته می‌شود یحیی بن زکریا (تعمید دهنده) نیز از آنان بوده است. ر. ک: حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۹۷-۹۸.

۴۶. ر. ک: التوراة کتابات ما بین النهرین: مخطوطات قمران - بحر المیت، ج ۱، ص ۵-۶.

۴۷. نویسنده آئین شهریاری در شرق نیز می‌گوید: بنا بر عقیده محققان‌ای که مورد پذیرش عموم است کتاب استر در حوالی ۱۲۵ ق م نوشته شده است، سموئیل کندی ادی، *آئین شهریاری در شرق*، ص ۱۷۷.

۴۸. ر. ک: حبیب سعید، *المدخل الی الکتاب المقدس*، ص ۱۵۹-۱۶۰؛

B. W. Anderson, *Interpreter's Bible*, V. iii. Pp. 827-8.

49. "Pharaoh" in *Encyclopedia Britannica*, 2010/04. 03at: <http://www.britannica.com/Ebchecked/topic/455117/pharaoh>.

۵۰. هوروس (Horus) نام یکی از کهن ترین و مهم ترین خدایان مصر باستان است.

51. "Pharaoh" in Nelson's Illustrated Bible Dictionary, p. 828.

۵۲ - محمدهادی معرفت، همان، ج ۷، ص ۳۸۰-۳۷۹.

۵۳. ر. ک: طبری، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، ج ۱۸، ص ۲۵۵ (ذیل آیه ۳۸ قصص)؛ *الدر المنثور*، ج ۶، ص ۴۱۶ (ذیل آیه ۳۸ سوره قصص)؛ ج ۷، ص ۲۸۸ (ذیل آیه ۳۶ سوره مؤمن)

۵۴. فرید وجدی، *دائرة المعارف القرن العشرين*، ج ۹، ص ۱۸.

55. Maurice Bucaille.

۵۶. خط هیروگلیف دارای حروف تصویری بوده و در مصر باستان به عنوان خط خدایی تصور می‌شد و تا هزاران سال کاهنان آن را برای تزئین دیوار معابد و آرامگاه‌ها به کار می‌بردند. (رک: بهنام محمد پناه، *اسرار تمدن مصر*، ۲۵).
57. M. Bucaille, *Moses and Pharaoh: The Hebrews In Egypt*, p. 192.
58. Rosetta Stone.
۵۹. رک: فرهنگ و تمدن مصر باستان، ص ۲۹.
۶۰. ژان فرانسوا شامپولین (به فرانسوی: Jean-François Champollion) (۲۳ دسامبر ۱۷۹۰ - ۴ مارس ۱۸۳۲) دانشمند، زبان‌شناس و شرق‌شناس فرانسوی است. از سال ۱۸۰۴ ژان فرانسوا به یافتن رمزهای دبیره هیروگلیف دل بسته شد و دریافت که برای کامیابی در این کار آشنایی با زبان‌های شرقی لازم است. این بود که پس از فرا گرفتن یونانی و رومی به آموختن زبان‌های عبری، قبطی، عربی و سریانی پرداخت. او سرانجام در سپتامبر ۱۸۲۲ در حالی که ۳۲ ساله بود موفق شد به راز و رمز خط هیروگلیف مصر باستان پی برد. شامپولین را بنیادگذار دبستان مصرشناسی خوانده‌اند (رک: Hutchinson Encyclopedia, p. 207).
61. Harun Yahya, *The Prophet Musa*, p. 60.
62. Walter Rasinski.
63. HAF museum.
64. M. Bucaille, p. 192- 193.
65. M. S. M. Saifullah & Others, p. 130.
66. Amun.
۶۷. شهر تب یا تبس، نام شهری باستانی در مصر باستان بوده است. این شهر در نزدیک به ۸۰۰ کیلومتری دریای مدیترانه و در در کرانه خاوری رود نیل جای داشته است. این شهر در چندین دوره از پادشاهی مصر، پایتخت بوده است (نقل از ویکی پدیا).
۶۸. بهنام محمد پناه، *اسرار تمدن مصر باستان*، ص ۱۴؛ نیز رک: *تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز*، ص ۳۶؛ یوسف اباذری و همکاران، *ادیان جهان باستان*، ج ۲، ص ۷۷-۸۰، ۹۰، ۹۱ و ۹۵.
۶۹. رک: محمد هادی معرفت، *تمهید فی علوم القرآن*، ج ۷، ص ۳۷۷.
۷۰. ابو منصور جوالبقی، *المعرب من الکلام الأعجمی*، ص ۶۳۷.
71. Midrash.
۷۲. محمد خزائلی، همان، ص ۶۶۰.
73. See: A. H. Jones, "Haman", in *Encyclopaedia Of The Qur'an*, V. II, p. 399.

## منابع

### کتاب مقدس

**التوراة**، کتابات ما بین النهرین: مخطوطات قمران - بحرالْمیت، تحقیق اندریه دوبون و سومر مارک فیلنکو، ترجمه موسی دیب الخوری، ط. ۱، دمشق، دار الطلیعة الجديدة، ۱۹۹۸م.

آمیة، پیر (Pierre Amiet)، **تاریخ عیلام**، ترجمه شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم، ۱۳۷۲ش.

اباذری، یوسف و همکاران، **ادیان جهان باستان**، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ش.  
پطرس عبدالملک، **قاموس الكتاب المقدس**، ط. ۱۰، قاهره، دارالتقافة بالاتفاق مع رابطة الانجیلیین بالشرق الاوسط، ۱۹۹۵م.

توفیقی، حسین، **آشنایی با ادیان بزرگ**، تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۹ش.  
جفری، آرتور، **واژه‌های دخیل در قرآن مجید**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۷۲ش. جوالیقی، ابومنصور، **المعرب من الکلام الأعجمی**، ط. ۱، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۰م.  
حبیب سعید، **المدخل إلى الكتاب المقدس**، بی‌جا، قاهره، دار التالیف والنشر للكنيسة الأسقفية و مجمع الكنائس فی الشرق الأدنى، بی‌تا.

خزائلی، محمد، **اعلام القرآن**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ششم، ۱۳۸۰ش.  
رازی، فخرالدین، **التفسیر الکبیر**، ط. ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.  
رحمتی، محمد کاظم، **ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر**، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.

زحلی، وهبة، **التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج**، ط. ۱، بیروت، دارالفکر المعاصر و دارالفکر، ۱۴۱۱ق.

زمخشری، محمود بن عمر، **الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل**، بی‌جا، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

سیادت، موسی، **تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر**، قم، ناشر: مؤلف، دفتر خدمات چاپ و نشر عصر جدید، ۱۳۷۹ش.

سیوطی، جلال‌الدین، **الدر المنثور فی التفسیر المأثور**، بی‌جا، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.  
طباطبایی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ط. ۳، قم، ۱۳۹۳ق.  
طبرسی، فضل بن الحسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ط. ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۲ق.

طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، ط. ۱، قاهره، هجر، ۱۴۲۲ق.  
طوسی، محمد بن الحسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

عمید، حسن، **فرهنگ عمید** (فرهنگ مفصل و مصور)، بی‌جا، تهران، امیرکبیر، بی‌تا.

- کندی، سموئیل ادی، *آیین شهریاری در شرق*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
- محمد پناه، بهنام، *اسرار تمدن مصر*، تهران، سبزان، ۱۳۸۵ش.
- معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن* (الجزء السابع: شبهات و ردود)، ط. ۱، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۸ق.
- مستر هاکس، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
- ناس، جان بایر، *تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات پیروز، چ سوم، ۱۳۵۴ش.
- وجدی، محمد فرید، *دائرة معارف القرن العشرين*، ط. ۳، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۷۱م.
- هینتس، والتر، *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۶ش.

- Anderson, B. W, *The Book of Esther, Interpreter's Bible*, New York, 1954.
- Black, Charles (Ed. ), *Encyclopædia Britannica*, Edinburgh, 1893.
- Bucaille, M. *Moses and Pharaoh: The Hebrews In Egypt*, NTT Mediascope Inc. Tokyo, 1995.
- Hutchingson Encyclopedia*, eleventh edition, Helicon Publishing, Godalming, 1998.
- Jewish Encyclopedia*, KTAV Publishing House, Inc. , New York, 1941.
- J. Horowitz, *Koranische Untersuchungen*, Walter De Gruyter: Berlin & Leipzig, 1926.
- Lammens, H. (Translated from French by Sir E. Denison Ross), *Islam: Beliefs and Institutions*, Methuen & Co. Ltd. , London, 1929.
- Lewis, B. , V. L. Menage, Ch. Pellat and J. Schacht (Eds. ), *Encyclopaedia of Islam* (New Edition), E. J. Brill (Leiden) & Luzac & Co. (London), 1986.
- Lockyer, H. Sr. (General Editor), F. F. Bruce *et al* , (Consulting Editors), *Nelson's Illustrated Bible Dictionary*, Thomas Nelson Publishers, 1986.
- McAuliffe, J. D. (Ed. ), *Encyclopaedia Of The Qur'an*, Volume II, Brill: Leiden, 2002.
- Saifullah, M. S. & Others: *Historical Errors Of The Qur'an*, Leipzig, 1906.
- Sale, G. , *The Koran Commonly Called Alcoran Of Mohammed Translated Into English Immediately From The Original Arabic With Explanatory Notes*, London, 1825.
- Yahya, Harun, *The Prophet Musa (AS)*, Milad Booke center, India, 2000.
- Yarshater, Ehsan (Ed. ), *Encyclopaedia Iranica*, Encyclopaedia Iranica Foundation, New York, 2003.